

مقدمه

بانکداری در ایران، از آغاز پیدایش تاکنون، سیر تکاملی خاص خود را پیموده است. این روند به دو دوره متمایز از هم تفکیک می‌شود. دوره یکم شامل فعالیت بانک‌های ایرانی از زمان شروع فعالیت تا مقطع پیروزی انقلاب اسلامی و دوره دوم از هنگام اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا در فروردین سال ۱۳۶۳ تاکنون است.

نظام بانکداری ایران در هر دوره با توجه به فلسفه و نظام ارزشی حاکم بر همان دوره سامان یافته است. در دوره یکم، نظام بانکی ایران برگرفته از بانکداری غرب، با نگرش سرمایه‌داری و برپایه ساز و کار بهره شکل گرفت و در دوره دوم، بانکداری براساس جهان‌بینی اسلامی و حذف ربا پایه‌ریزی شد. بررسی فعالیت‌های بانکی در هر یک از این دو دوره بیانگر این است که انسان به عنوان محور اصلی فعالیت‌های بانکی دارای ویژگی و ارزش‌های رفتاری تعریف شده خاص خود است. ارزش‌هایی که نه تنها بر تمام اجزای نظام بانکداری، اهداف، سیاست‌ها، و عملکرد آن تاثیر داشته، بلکه خود معیار مشروعیت نظام بانکی در هر دوره نیز بوده است.

خصلت رفتاری انسان در بانکداری غرب و نگرش سرمایه‌داری، ریشه در «نظریه لذت‌طلبی (Hedonsim)» اپیکور، فیلسوف یونانی سده سوم و چهارم پیش از میلاد دارد. این نظریه، بعدها سنگ بنای نظریه اصالت مطلوبیت جرمی بنتام و جان استوارت میل شد. انسان در نظریه سرمایه‌داری نیوکلاسیک موجودی است جست‌وجوگر حداکثر مطلوبیت (Utility Maximizer)، معتقد به اصالت عقل (Rationalistic)، خودگرا (Egotistic)، جزءگرا (Atomistic) و آسایش‌طلب (Quiestistic). لکن در جهان‌بینی اسلامی، حداکثر سود تنها انگیزه معقول فعالیت‌های اقتصادی نیست، بلکه در هر فعالیت اقتصادی، عدالت و خیرخواهی پایه رفتار و حرکات انسانی است. مسلمان نمی‌تواند فقط به کسب منفعت بیندیشد و عدل و انفاق اسلامی را، که روش اخلاقی سیاست اقتصادی در اسلام است، فراموش کند. از این گذشته، اسلام فطرت انسانی را لذت‌طلب، خودپسند، جزءگرا و خودگرا نمی‌داند. در نظام اسلامی و در اجرای واجبات، گاهی رنج‌طلبی وظیفه است و مسلمان به‌عنوان یک امر واجب، به‌دنبال انجام آن است. اسلام، انسان را موجودی فعال، صاحب اراده و اختیار و قابل تعلیم می‌داند. در این نظام، احکام حلال و حرام و شناخت ارزش‌هاست که جهت و کیفیت رفتار انسان را معین و مشخص می‌کند و به نوبه خود به‌صورت یک نظام اخلاقی اسلامی تدوین می‌شود.

بنابراین کتاب حاضر، ضمن مطالعه سیر تکامل بانکداری، به جنبه‌های تاریخی، فلسفی و اجرایی نظام بانکداری در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی می‌پردازد، نظامی که فطرت انسان‌های دست‌اندرکار آن بر پایه ارزش‌ها و جهان‌بینی اسلامی استوار است و نه تنها از جنبه ارزشی و اخلاقی، بلکه از نظر محتوایی و ساختاری نیز با نظام‌های بانکداری موجود جهان تفاوت اساسی دارد.

از اینرو، این کتاب به یازده فصل به شرح زیر تقسیم شده است: فصل یکم، تاریخچه بانکداری در جهان را مرور می‌کند. در این فصل، مباحثی مانند بانکداری در دوران باستان، بانکداری در قرون وسطا (قرن پنجم تا پانزدهم میلادی)، تأسیس بانک‌های خصوصی، بانک‌های دولتی، و فعالیت‌های بانکداری در دوره جدید مطرح شده است.

فصل دوم، به بررسی تجارت و پول عرب در هنگام ظهور اسلام می‌پردازد. در این فصل، مطالبی همچون جغرافیای اقتصادی عربستان، اعراب شمال و جنوب، نظام اقتصادی عرب پیش از اسلام، تأسیس حکومت اسلامی و تأثیر ارزش‌های اسلامی در مدینه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

فصل سوم، تحت عنوان "مبانی نظام اقتصاد اسلامی و سرمایه‌داری" است. این فصل افزون بر نظام سرمایه‌داری، به محورهای اساسی نظام اقتصادی اسلامی اشاره دارد. محورهایی همچون اهمیت اقتصادی، روش، میدان عمل، فطرت انسان، تحول، مالکیت و کنترل وسایل تولید، مکان قدرت اقتصادی، نظام انگیزه‌ای، سازمان قدرت اقتصادی، فرآیند اجتماعی برای هماهنگی و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، توزیع درآمد و ثروت، ایدئولوژی و دولت از جمله مباحث این فصل هستند.

فصل چهارم، به مطالعه اصول فلسفه اسلامی بانکداری می‌پردازد. در این رابطه اصل توحید، انسان از نظر اسلام، نظام ارزش‌ها در اقتصاد اسلامی، عدالت و مفاهیم اقتصادی، بهره‌گیری از منابع اقتصادی، اصل مالکیت، تکاثر ثروت، ربا، مصرف، توسعه و رشد مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

فصل پنجم، تحت عنوان "بانکداری در ایران" است. در این فصل، افزون بر بررسی سیر تشکیل بانک‌هایی همچون بانک جدید شرق، بانک شاهنشاهی ایران، بانک استقراض ایران، بانک عثمانی، بانک سپه، مؤسسه رهنی ایران، بانک ملی ایران، مباحثی مانند اصلاحات پولی، اشغال ایران و ارزش پولی ملی، توسعه بانکداری در ایران، تأسیس بانک مرکزی ایران، تصویب قوانین بانکداری، قوانین و مقررات بانکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ارکان نظام بانکداری جدید، گروه‌بندی بانک‌ها مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

فصل ششم، مربوط به بانکداری بدون ربا در ایران است. در این رابطه مباحثی نظیر قانون

عملیات بانکی بدون ربا، تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار، منابع وکالتی و منابع مالکانه بانکها، انواع عقود اسلامی، و الگوی عملیاتی بانکداری اسلامی ارایه شده است.

فصل هفتم، در مورد نظام پولی و اعتباری است. در این فصل ماهیت سیاستهای پولی و اعتباری، و سیاستهای کلی شامل ابزارهای تشویقی، تعیین نرخهای سود سپرده و تسهیلات اعطایی، تدابیر پولی و اعتباری، و کنترل نقدینگی و مهار تورم مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت.

فصل هشتم به "برنامه‌ریزی سیستمی برای اجرای بانکداری اسلامی در ایران" و فصل نهم به "برنامه‌ریزی سیستمی برای ایجاد تحول رفتاری در نظام بانکی کشور" اختصاص یافته است.

فصل دهم، دارای عنوان "تحولات نظام بانکی ایران پس از انقلاب" است. در این رابطه، برخی از تحولات عمده نظام بانکی ایران پس از انقلاب اسلامی همچون افزایش سرمایه بانکها (کفایت سرمایه)، طرح اصلاحات راهبردی بانکها، تأسیس بانکهای غیردولتی، نظام جامع پرداخت، شناسایی سود واقعی (تغییر روش حسابداری از نقدی به تعهدی)، طرح اصلاح قانون اداره بانکهای دولتی، یکسان‌سازی نرخ ارز، قانون مبارزه با جرم پول‌شویی، افتتاح حساب ذخیره ارزی، انتشار اوراق مشارکت توسط بانک مرکزی، گشایش اعتبار اسنادی داخلی - ریالی، قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی، تسهیلات تکلیفی بانکها، قانون عدم الزام سپرده وثیقه ملکی به بانکها، تأسیس صرافی در بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی، خدمات نوین بانکی (اعتبار خریدار و اعتبار فروشنده) مطرح شده است.

فصل یازدهم به چالش‌های بانکداری اسلامی در ایران اشاره دارد. در این رابطه مواردی نظیر نبود برنامه‌ریزی لازم برای توسعه بانکداری اسلامی، عدم مقابله جدی بانکها با صورتی بودن عملیات بانکی، عدم گرایش بانکها به مشارکت واقعی، نبود سیستم حسابداری کارآمد و استانداردسازی، عدم پرداخت سود واقعی به سپرده‌گذار، عدم توجه به انگیزه و نیت متقاضی تسهیلات، عدم شناسایی سهم سود واقعی، عدم وجود ریسک‌پذیری بانکها، عدم وجود روش مناسب برای استهمال تسهیلات اعطایی بانکها، فقدان نظام نظارتی و بازرسی کارآمد، عدم گرایش بانکها به اعطای تسهیلات بلند مدت، عدم وجود کارشناسی قوی در بانکها، عدم ارایه صورت‌های مالی واقعی (صورت‌های مالی حسابرسی شده)، فقدان تلقی مردم از اسلامی بودن بانکها، و عدم ارایه روش مناسبی برای جبران کاهش ارزش سپرده‌های مردم، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

لازم به ذکر است که فصل‌های دوم، سوم و چهارم این کتاب برگرفته از مطالب کتاب «طرح تحلیلی اقتصاد اسلامی» و فصل‌های هشتم و نهم برگرفته از کتاب «برنامه‌ریزی در

سیستم‌های بزرگ مقیاس» نگارش مؤلف این اثر است.

برای پی بردن به ریشه‌های تاریخی و فلسفی بانکداری مبتنی بر قانون عملیات بانکی بدن ربا در ایران، خواندن فصل‌های یکم تا پنجم مفید خواهد بود و برای علاقه‌مندان به مباحث اجرایی بانکداری در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مطالعه فصل پنجم تا پایان فصل یازدهم پیشنهاد می‌شود. در مجموع، تمام فصل‌های کتاب تصویری جامع از جنبه‌های تاریخی، فلسفی، و اجرایی از نظام بانکداری در ایران پس از انقلاب اسلامی را ارائه می‌دهند. در پایان، لازم می‌دانم از کوشش‌های جناب آقای پرویز ساسان‌گهر به‌خاطر دقت در بازخوانی و ویرایش متن کتاب و ارائه نقطه نظرهای مفید اصلاحی تشکر و قدردانی کنم. همچنین از سرکار خانم آمنه مفسر که با دقت فراوان واژه‌پردازی و صفحه‌آرایی کتاب را برعهده داشته‌اند ممنون و سپاسگزارم. به هر روی، هرگونه نقص و کاستی در محتوای کتاب صرفاً از آن نگارنده می‌باشد. امید است اندیشمندان، صاحب‌نظران، و علاقه‌مندان به اسلامی کردن بانکداری در ایران، از راهنمایی‌های لازم برای رفع نارسایی‌های کتاب و بهبود مطالب آن دریغ نوزند.

مهدی رضوی

m-razavi@sbu.ac.ir

عضو هیأت علمی و استاد دانشگاه شهید بهشتی

تابستان ۱۳۹۳